



«احمد الريح» معارض سعودی در گفت‌وگو با بیت المقدس: جنایات سعودیها علیه شیعیان قطیف، بیش از اقدامات صهیونیست‌ها علیه فلسطینیان است

۵

بیت المقدس

بیت المقدس

«دکتر مارکوس پاپادوپولوس» کارشناس ارشد مسائل روسیه، در گفت‌وگوی تفصیلی با بیت المقدس: اتحاد تهران، مسکو و دمشق در مقابل هم پیمانان آمریکایی ایستند



۳

ضمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس ◀ شماره ۵۷ ▶ دوشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۹۶ ▶ ۲۳ جمادی الثانی ۱۴۳۹ ▶ ۱۲ مارس ۲۰۱۸

مروری بر زندگی مؤسس و پدر معنوی حماس، شهید شیخ احمد یاسین

۴

شیخ فلسطین





انفجار انتحاری در مراسم شیعیان کابل

جمعه گذشته انفجاری مهیب، در نزدیکی مسجدی در کابل پایتخت افغانستان، یک اجتماع شیعیان را هدف قرار داد. این انفجار حوالی ساعت ۱۱:۳۰ روز جمعه در مقابل مصلاهی شهید «عبدالعلی مزاری» کابل رخ داد و در اثر آن ۹ تن شهید و ۱۸ تن زخمی شدند. همزمان با سالروز میلاد حضرت فاطمه زهرا (س)، شهروندان شیعه و سنی افغانستان برای گرامیداشت بیست و سومین سالگرد شهادت شهید مزاری در این مصلا تجمع کرده بودند. این انفجار در پست ایست بازرسی اول در نزدیکی مسجد الزهراء (س) رخ داد. فرد انتحاری قصد داشت خود را به مراسم که در مصلاهی شهید مزاری پدر حال برگزار می‌بود، برساند.

محمدجواد مهدی زاده



باز خوانی نبرد ماندگار «الکرامه»

اولین شکست بنی صهیون



با وجود پیروزی‌های خیره‌کننده حزب الله لبنان در چند جنگ بزرگ با ارتش رژیم صهیونیستی و بازپس‌گیری بخش اعظمی از خاک کشورشان از اسرائیل، باید اذعان کرد که برخلاف باور رایج در میان بسیاری از افراد علاقه‌مند به موضوع مقاومت اسلامی، این حزب الله نبود که توانست برای اولین بار در تاریخ نبرد میان مسلمانان عرب با ارتش اسرائیل، تل‌آویو را دچار یک شکست نظامی کند.

با وجود شکست سنگین ارتش‌های عربی در برابر ارتش رژیم صهیونیستی در جنگ ۶ روزه سال ۱۹۶۷، که منجر به تحقیر شدید دولت‌های عربی در برابر دولت جعلی اسرائیل شد، نیروهای چریک فلسطینی وابسته به جنبش تازه تاسیس موسوم به «سازمان آزادیبخش فلسطین» (فتح) تصمیم گرفتند بدون در نظر گرفتن عواقب این شکست در مقیاس منطقه‌ای و جهانی، به درگیری با نظامیان صهیونیست در خاک فلسطین و نواحی مشرف به آن ادامه دهند.

رود اردن، به همراه کرانه‌های باختری و خاوری آن، جایگاه مهمی در جغرافیای نبرد میان نظامیان صهیونیست و چریک‌های فلسطینی داشت. این منطقه به دلیل تجمع گسترده فلسطینی‌ها و عشایر اردنی فلسطینی تبار، که مواضع سختی علیه نظامیان صهیونیست داشتند، همیشه برای مقامات نظامی تل‌آویو و رهبران سیاسی آن از اهمیت بالایی برخوردار بوده است.

در راستای همین اهمیت و برای تضعیف هر چه بیشتر شبه‌نظامیان فلسطینی، با توجه به شکست اعراب در نبرد سال ۱۹۶۷، نیروهای زمینی ارتش رژیم صهیونیستی با پشتیبانی هوایی و توپخانه‌ای، در تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۶۸ (۱۱ فروردین ۱۳۴۷) به مواضع چریک‌های فلسطینی در روستای «کرامه» در کرانه خاوری رود اردن حمله کردند.

به دلیل قرار گرفتن روستای کرامه در خاک اردن، ارتش اردن نیز در کنار چریک‌های فدایی فلسطینی وارد نبرد با نظامیان صهیونیست شد. درگیری‌های میان

ملک حسین اطلاعاتی که از بنیه نیروهای مسلح سوریه و مصر و هم پیمانان آنان در این جنگ بدست آورده بود را در اختیار سرویس اطلاعات آمریکا گذاشت تا آنان نیز سرویس‌های اطلاعاتی و ارتش رژیم صهیونیستی را از این موضوع مطلع کنند

نظامیان صهیونیست و نظامیان و شبه‌نظامیان اردنی و فلسطینی با شدت ادامه پیدا کرد اما با وجود تلفات شدید فلسطینی‌ها و اردنی‌ها، نیروهای اسرائیلی بدون رسیدن به هدف خود (تصرف منطقه کرامه و انهدام پایگاه‌های فلسطینی‌ها در اطراف این روستا) وادار به عقب‌نشینی به سمت کرانه باختری رود اردن شدند.

اگرچه تلفات جانی در میان شبه‌نظامیان وابسته به سازمان آزادیبخش فلسطین و نیروهای ارتش اردن بسیار بیشتر از نظامیان صهیونیست بود (حدود ۳۰۰ نیروی مبارز فلسطینی و نظامی اردنی در مقابل ۳۰ نظامی صهیونیست) اما به دلیل عقب‌نشینی ارتش اسرائیل از منطقه و نرسیدن آنها به هیچ یک از اهداف تعیین شده در نبرد منطقه کرامه، این نبرد

۳ سال پس از سپتامبر سیاه و ۵ سال پس از پیروزی در نبرد کرامه، با آغاز جنگ اکتبر ۱۹۷۳ توسط مصر و سوریه علیه رژیم صهیونیستی (با هدف آزادسازی مناطق اشغالی دو کشور و کشتادن نبرد به داخل خاک فلسطین اشغالی)، ملک حسین اطلاعاتی که از بنیه نیروهای مسلح این دو کشور عربی و هم پیمانان آنان در این جنگ بدست آورده بود را در اختیار سرویس اطلاعات آمریکا گذاشت تا آنان نیز سرویس‌های اطلاعاتی و ارتش رژیم صهیونیستی را از این موضوع مطلع کنند.

به همین دلیل با وجود پیروزی‌های اولیه سوریه و مصر در این جنگ و آزادسازی شهر اشغالی قنیه در ارتفاعات جولان، جنگ به دلیل خیانت عواملی مانند دولت اردن و آتش بس یک جانبه از سوی مصر، ناتمام ماند تا از تحقق پیروزی بزرگ تر از آنچه در روستای کرامه اردن رخ داد، جلوگیری شود.

با وجود چریک‌های فلسطینی فراری از اردن به لبنان و عملیات فزاینده آنان علیه نظامیان صهیونیست، شبه‌نظامیان وابسته به احزاب مسیحی متحد اسرائیل در لبنان نیز تصمیم به بحرانی کردن شرایط برای فلسطینی‌ها گرفتند که در نتیجه آن، جنگ داخلی در لبنان به مدت ۱۵ سال شعله‌ور شد.

۷ سال پس از آغاز جنگ داخلی لبنان نیز ارتش اسرائیل در سال ۱۹۸۲ حمله گسترده‌ای به این کشور کرد تا باعث شود نیروهای ساف آخرین پایگاه خود در جوار مرزهای فلسطین را هم ترک کنند و عازم تونس، کشوری در شمال آفریقا و دور از مرزهای فلسطین، شوند.

به همین دلایل باید نبرد کرامه را نقطه عطفی در تاریخ مبارزات مسلمانان و اعراب با رژیم صهیونیستی دانست که با وجود نقش تاریخی خود، تا حد زیادی در میان اذهان عمومی مسلمانان و اعراب مغفول مانده است.

سخن نخست

عصبانیت از پرچمی که در اهتزاز است

محمد مهدی رحیمی



«امروز کسانی و دست‌هایی را که برای ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی به شیعه تهمت می‌زنند، بدگوی می‌کنند، اختلاف‌افکنی می‌کنند، ببینند... دنیای اسلام باید متحد باشد. امروز دنیا این را می‌خواهد. امروز نیازهای جامعه اسلامی این را می‌طلبد که جوامع اسلامی با هم باشند، در کنار هم باشند، اتحاد داشته باشند، نگذارند دشمنانی از ضعف آنها استفاده کنند؛ دشمنانی که خودشان به طور طبیعی قدرتی ندارند. اسرائیل چیست؟ دشمن صهیونیستی در مقابل یک میلیارد دین مسلمان عدنی نیست به حساب نمی‌آید. اختلاف در دنیای اسلام موجب می‌شود که دشمن ضعیف بتواند راه خود را پیدا کند، یارگیری کند، از بین برادران مسلمان دشمن برای خود یارگیری کند.»

این بخشی از سخنان رهبر معظم انقلاب در تیرماه سال ۱۳۸۸ و در روزگاری است که هنوز بیش از یک سال تا آغاز موج‌بیداری اسلامی در کشورهای عربی باقی مانده بود. جریانی که دویست و نود و سه سرنگونی حکام دیکتاتور که جملگی هم‌پیمان غرب بودند، منجر شد و دول غربی از بیم از دست دادن تمامی مهره‌های حلقه به گوش‌شان با عجله باهمه میدان نهاده و باصرف هزینه‌های گزاف نوک پیکان تحولات را به سمت سوریه منحرف کردند. جنگ بین المللی سوریه عرصه‌ای واقعی و کاملاً ملموس برای نشان دادن نتیجه اختلاف در جهان اسلام بوده است.

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، رهبران انقلاب و در راس ایشان حضرت امام خمینی (ره) علم وحدت بین فرق اسلامی را به دست گرفتند و در مناسبت‌های مختلف به اهمیت این امر و آسیب‌های عدم حصول آن اشاره کردند. نامگذاری هفته وحدت در سال ۱۳۶۰ و توجه ویژه به این مناسبت اگر چه ممکن است بیشتر اقدامی نمادین جلوه کند اما در واقع دلیلی روشن و متقن بر اعتقاد بزرگان انقلاب اسلامی به لزوم تلاش برای حصول وحدت حداکثری در میان مسلمین است. طبیعی است که دشمنان اسلام که منافع خود را در پی پیروزی انقلاب اسلامی از دست رفته می‌دیدند، تلاش حداکثری خود را برای به شکست کشاندن آن‌ها و اهداف این نظام به کار گرفتند و بدون شک یکی از مهمترین اقدامات آنها در این مسیر ایجاد بدبینی نسبت به جمهوری اسلامی ایران در میان اقوام و مذاهب مختلف اسلامی بود. پرداختن به مصادیق این تلاش برای بدبینی و نزاع، متنوی هفتاد من کاغذ است و از حوصله این مجال خارج است. اما فتنه شام و در ادامه آن عراق را باید اقدامی چند بعدی به حساب آورد که یکی از مهمترین ابعاد آن ایجاد اختلاف شدید بین مسلمانان و کشاندن پای مذاهب مختلف اسلامی به میدان نزاع و جنگ خانمان سوز است. نتیجه این امر همان کلامی است که از رهبری انقلاب در ابتدای متن آورده شد: اسرائیلی که در مقابل جمعیت میلیاردری مسلمانان نمی‌تواند کاری از پیش ببرد، تماشاچی مسلمان کشتی می‌شود و همراه با انگلیس و آمریکا و فرانسه و... در کناری می‌ایستند و از آتشی که آفر وخته لذت می‌برند. در این میان توجه به یک نکته بسیار مهم است و آن اینکه نباید تصور کرد که دشمنان برای تحقق ایده اختلاف اندازی خود تنها به یارگیری از یک سوی میدان اهتمام ورزیده و از سوی دیگر غافل می‌شوند. تنها گذری بر تاریخ چند سده اخیر منطقه ما به خوبی پرده از سیاست انگلیس، که بعد از سوی برخی دول دیگر همچون آمریکا هم دنبال شده، بر می‌دارد که برای تحقق ایده «اختلاف بینداز و حکومت کن»، همواره به دو طرف دعوا نظر داشته‌اند. مسئله‌ای که بطور جدی در چند سال اخیر نشانه‌ها و مصادیق شفاف آن را شاهد بوده‌ایم. آنچه که از سوی رهبر انقلاب به شیعه انگلیسی و سنی آمریکایی تعبیر شد و دوباره یک قیچی عنوان شدند که در دستان دشمنان اسلام و مسلمانی قرار دارد.

در چند روز اخیر و در پی حمله سازمان دهی شده جمعی جیره خوار انگلیسی به سفارت ایران در لندن بار دیگر لبه شیعی این قیچی هویدا شد. اقدامی که همزمانی آن با سفر محمد بن سلمان ولیعهد سعودی به انگلیس و نیز تعلیل بی‌تفاوتی پلیس این کشور در حراست از سفارت ایران، نشانه‌های غیر قابل تردیدی دال بر سازماندهی شده بودن و دستان پشت پرده آن است.

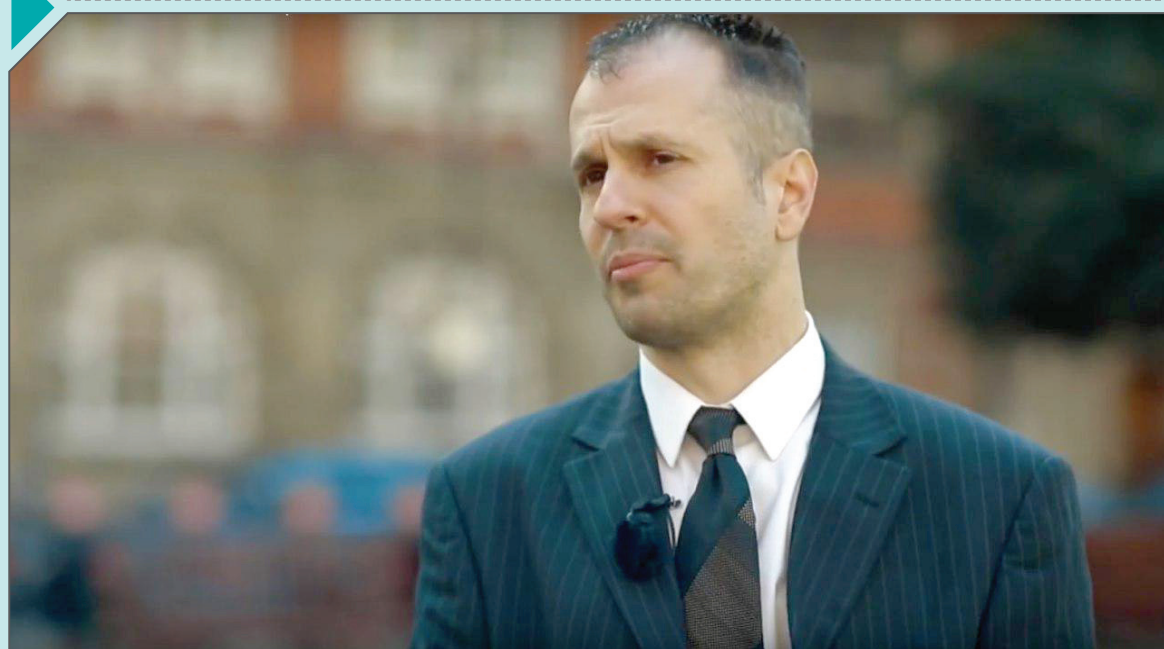
جریان شریزای‌ها از لایل پیروزی انقلاب همواره در مخالفت با اقدامات ایران و امام خمینی (ره) در جهت کستن از تنش‌ها بین شیعه و سنی و تقویت وحدت اسلامی، اقدام کرده‌اند و حمله اخیر آنها و پایین کشیدن پرچم ایران از بنای سفارت‌مان، نشان از عصبانیت اربابی دارد که این روزها در اهتزاز بودن پرچم ایران در سوریه، عراق، یمن، لبنان و حتی در بیخ‌مرزهای فلسطین اشغالی حسلی به خشم آمده‌اند، اما توان مقبله و پایین کشیدن آن را ندارند.

قلب زمین

امیر محمد اسماعیلی

«دکتر مار کوس پا پادو پولوس» کارشناس ارشد مسائل روسیه، در گفت و گوی تفصیلی با بیت المقدس:

اتحاد تهران، مسکو و دمشق در مقابل هم پیمانان آمریکایی ایستد



دکتر مار کوس پا پادو پولوس ناشر و سردبیر مجله «سیاست نخست» است که از سوی پارلمان انگلیس منتشر می شود. او پس از کسب مدرک دکتری خود از دانشگاه رویال هالووی لندن در رشته تاریخ بریتانیا و روسیه، در نشریات متعددی فعالیت کرده است. پا پادو پولوس از مفسران اصلی «راشا تودی» به شمار می رود و در شبکه های مختلف دیگری همچون الجزیره، ری انووستی، تاس و روسیه حضور داشته است.

تحلیل سیاست های روسیه در قبال منطقه غرب آسیا بعد از شکست داعش، تأثیر فشارهای غرب بر سیاست های اعمالی روس ها، نقش منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی روسیه در باز تعریف سیاست های منطقه ای کرملین و بررسی ابزارها و محدودیت های نفوذ روس ها در خاور میانه از محورهای اصلی گفت و گو با دکتر مار کوس پا پادو پولوس بود.

متن کامل گفت و گورامی خوانید:

پس از شکست امپراطوری داعش، رویکرد روسیه در قبال منطقه غرب آسیا به چه میزانی تغییر کرده است؟

در ابتدا باید بگویم که داعش هنوز به صورت کامل شکست نخورده است. در حال حاضر برخی از تروریست ها در شرق پالمیرا، در مرز عراق (در منطقه کردنشین) و نزدیک به ارتفاعات اشغال شده جولان حضور دارند. علاوه بر این، از زمان تجاوز غیرقانونی ترکیه به عفرین، تروریست های داعش شروع به مبارزه نظامی، عمدتاً علیه کردها کرده اند. اگر چه بسیار بعید به نظر می رسد که داعش بتواند مثل روز اول خود ظهور کند چرا که تلفات شدیدی را به دست نیروهای سوری، روسی و ایرانی به همراه حزب الله متحمل شده است اما نباید درباره این گروه وهابی تروریستی منفور بی توجه باشیم. در واقع تنها زمانی می توانیم به شادی بپردازیم

عرب ها و اسرائیلی ها به دست آوردن اما این حال این سه کشور هم پیمان آمریکا باقی خواهند ماند. این اتحاد در مقابل اتحادی که به زودی در منطقه بین تهران، مسکو و دمشق شکل خواهد گرفت قرار می گیرد. افسوس چشم طمع همچنان بر خاور میانه خواهد ماند.

به لحاظ امنیتی، کرملین تلاش خواهد کرد تا با استفاده از اهرم جدید خود، وهابیت را تحت فشار قرار دهد. وهابیت در دهه ۱۹۹۰ حامی تروریسم در چین، داغستان، اینگوشتیا بود و بسیاری از سعودی ها برای مبارزه به این مناطق می رفتند؛ از جمله فردی به نام ابن الخطاب. اگر چه قفقاز، نسبت به دهه ۱۹۹۰ و اوایل ۲۰۰۰، بسیار آرام تر است اما این ظرفیت را دارد که در مدت کمی همانند زخم کهنه روسیه سر باز کند و تمامیت ارضی روسیه را در این مناطق تهدید کند.

آبامی توان اینگونه فعالیت ها و موفقیت های روسیه را چالشی برای غرب به حساب آورد؟

بله بدون شک. اکنون آمریکایی ها مجبورند ابتدا به آنچه بر روی شانه های شان سنگینی می کند، نگاه کنند و بعد صحبت کنند. همانند دوره شوروی، روسیه دوباره دومین نیروی خارجی قدرتمند در خاور میانه است؛ اما همان طور که قبلاً گفتیم، روسیه موضع آمریکا را اغصب نخواهد کرد؛ زیرا آن ها قدرت بیرونی را در خاور میانه به کار می گیرند. اکثریت قریب به اتفاق کشورهای خاور میانه در حوزه نفوذ آمریکا قرار دارند؛ از ترکیه گرفته تا اسرائیل، اردن، عراق و عربستان سعودی به همراه کشورهای خلیج فارس.

ابزارها و محدودیت های نفوذ روسیه در منطقه چیست؟

ابزار کرملین نظامی، اقتصادی و فرهنگی است و روسیه از ایمان ارتدکس و مناطق مسلمان خود برای جذب تجدید نظر طلبی در میان مردم در خاور میانه استفاده می کند. در خصوص محدودیت ها، پاسخ بسیار ساده است؛ اقتصاد. اگر اقتصاد روسیه با ثبات باقی بماند، مسکو قادر خواهد بود تا نفوذش را در خاور میانه بیشتر از پیش افزایش دهد؛ اما اگر روسیه به سمت رکود برود، آنگاه طرح هایش در خاور میانه نابود خواهد شد. در واقع این اقتصاد است که ابزار فشار آمریکا در خاور میانه را به خوبی توضیح می دهد. به بیانی دیگر چیزی نمی تواند دلار پیشی بگیرد.

آن دسته از مردمی که به تازگی از اشغال وهابیت آزاد شده اند، فرستاده است. سرانجام، روسیه می داند که تهدید وهابیت در سوریه نیز تهدیدی برای روسیه و سایر نقاط اتحاد جماهیر شوروی است، به ویژه آسیای مرکزی که در حوزه نفوذ مسکو است. خنثی سازی وهابیت در سوریه به اثر دوگانه ای در کمک به خنثی سازی فعالیت وهابیت و تجدید نظر طلبی در روسیه و آسیای مرکزی دارد.

غرب تنها باید خود را در خصوص سرد شدن روابطش با روس ها سرزنش کند. آمریکا و انگلیس، یک روسیه قدرتمند در جهان را تحمل نخواهند کرد و هر کاری را انجام خواهند داد، از جمله هدف قرار دادن متحدان مسکو مانند سوریه، تا مانع از تجدید حیات روسیه شوند. جهان به مکانی فوق العاده خطرناک و بی ثبات تبدیل شده است؛ چرا که مدت ها است واشنگتن و لندن تلاش کرده اند تا هر مونی جهانی آمریکایی را حفظ کنند.

منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی روسیه در غرب آسیا چیست که این چنین فعالانه به بازیگری پرداخته است؟

روسیه نیز همانند آمریکا، منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی در خاور میانه دارد که آن را دنبال می کند. به لحاظ اقتصادی مسکو در پی افزایش صادرات دفاعی خود در منطقه، دسترسی بیشتر به سرمایه، افزایش همکاری در تعیین قیمت نفت، افزایش صادرات کشاورزی مخصوصاً گندم، افزایش فروش فلزات از جمله سنگ آهن است. علاوه بر این ممکن است روسیه با کمک برخی مناطق مسلمان نشین خود مانند چین و تاتارستان، به توسعه اقتصادی خود در منطقه مبادرت ورزد.

به لحاظ سیاسی، کرملین می داند که آمریکا قصد دارد تا همچون زمان شوروی، قدرت خارجی غالب در منطقه باقی بماند. با این وجود دلایلی دال بر این است که روس ها معتقدند که می توانند دوران شوروی را احیا کنند؛ مخصوصاً با کشورهایمانند فلسطین، عراق و یمن که در مقابل آن کشورهایمانند اسرائیل، ترکیه و عربستان وجود دارند که در مدار واشنگتن قرار می گیرند. اگر چه روس های توانمند سطح محدودی از تجارت را با ترکیه،

ایالات متحده، انگلیس، ترکیه، عربستان سعودی و قطر از داعش حمایت کرده اند و این اقدام توسط آن ها فراموش و یا بخشیده نخواهد شد. از سویی دیگر همین افراد به خوبی می دانند که چه کسی آن ها را از آن مصیبت نجات داده است. روسیه در خاور میانه به محبوبیت دست یافته و درس بارزشی را در سوریه به همه اعراب آموخته است که مسکو بدون توجه به هیچ چیز در کنار متحدانش می ایستد.

به چه میزان این تغییرات ناشی از بحران روابط میان روسیه با غرب بوده است؟

روسیه به دلیل تلاش غرب و متحدان منطقه ای اش برای سرنگونی دولت سوریه و جایگزینی آن با یک دولت وهابی مجبور شد در سوریه به عکس العمل نشان دهد. ما

اگر اقتصاد روسیه با ثبات باقی بماند، مسکو قادر خواهد بود تا نفوذش را در خاور میانه بیشتر از پیش افزایش دهد؛ اما اگر روسیه به سمت رکود برود، آنگاه طرح هایش در خاور میانه نابود خواهد شد

نباید این واقعیت را فراموش کنیم که همه گروه های تروریستی در سوریه به طبیعت وهابی دارند؛ از داعش گرفته تا القاعده و ارتش آزاد همگی وهابی هستند. مسکو و دمشق بیش از نیم قرن، متحدان و دوستان یکدیگر بوده اند و این رابطه برای دو طرف سودمند بوده؛ زیرا برای سوریه امنیت در پی داشته، در حالی که نفوذ و قدرت بسیار زیادی را برای روسیه در خاور میانه فراهم آورده است. اگر روسیه در سوریه به دخالت نظامی نمی کرد - البته این دخالت به صورت قانونی انجام شد؛ چرا که دولت سوریه از روس ها طلب کمک کرده بود - به احتمال زیاد دمشق به دست گروه های تروریستی وهابی می افتاد و این به معنای نابودی مردم سوریه و پایان نفوذ و قدرت روسیه در خاور میانه تعبیر می شود.

علاوه بر این روسیه به دلیل اهداف بشر دوستانه و برای جلوگیری از ویرانی و سقوط سوریه به دست وهابیت در این کشور مداخله کرد. همچنین مسکو مقادیر زیادی از مواد غذایی، آب و تجهیزات پزشکی را برای رفع نیاز

که تروریست های داعش در سوریه یا از بین رفته یا زندانی شده باشند.

با توجه به اینکه داعش در آستانه شکست کامل در سوریه قرار دارد و این موضوع عمدتاً بر خاسته از قدرت آتش روسیه است، مردم سراسر خاور میانه به طور فزاینده ای به روسیه به عنوان محافظی در برابر تهدید وهابیت می نگرند. این تهدید نه تنها متوجه زندگی مسلمانان بوده است بلکه مسیحیان منطقه نیز از آن هراس دارند. روسیه، داعش را از دستیابی به اهدافش در سوریه باز داشت. داعش سعی داشت تا از این کشور را به سکوی پرتابی برای تسخیر بیشتر اگر نگوییم همه - جهان عرب که شامل شمال آفریقا می شود، استفاده کند. اگر داعش موفق می شد آنگاه خاور میانه و شمال آفریقا به زمین بازی برای وحشی گری و انحراف تبدیل می شد اما این رؤیای وهابی به حقیقت نیوست؛ چرا که روسیه نقش فعالی را بازی کرد. اعراب، کردها، ایرانیان و گروه های دیگر در خاور میانه به خوبی می دانند که



آشوب خیابانی در تل آویو در اعتراض به اجباری شدن سربازی

دهه‌ها تن از یهودیان خریدیم (جریان تندروی دینی) در اعتراض به اجباری شدن خدمت سربازی به جای فراگیری آموزه های توراتی دست به تظاهرات زدند. خریدیم‌ها در جریان این تظاهرات جاده اصلی تل آویو به قدس را مسدود کرده و دست به اعتراض زدند. نیروهای پلیس نیز با استفاده از آبپاش و نیروهای اسب سوار تلاش کردند آنها را متفرق کنند. این تظاهرات پس از آن برگزار شد که مقامات دولتی رژیم صهیونیستی تصمیم گرفتند خدمت سربازی برای خریدیم‌ها را اجباری کنند. این در حالی است که این جریان تندروی دینی طی دهه های اخیر با بهانه ارائه آموزش های دینی و توراتی به پیروان این جریان، از خدمت سربازی معاف بوده‌اند.

مروری بر زندگی مؤسس و پدر معنوی حماس، شهید شیخ احمد یاسین

محمد مظلومی

شیخ فلسطین



شکل گیری گروه های مقاومت اسلامی در فلسطین - همچون جهاد اسلامی و حماس - را می توان نتیجه مستقیم انقلاب اسلامی ایران دانست که امید مسلمانان به اسلام و کار آمدی آن در عرصه سیاست و مبارزه با استعمار و اشغالگری را به اثبات رسانید. تا پیش از سال ۱۹۷۹ و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تمامی گروه های چندگانه مقاومت فلسطینی یا ایدئولوژی خود را رسماً ایدئولوژی چپ و مارکسیستی و یا پان عربیسم اعلام کرده بودند و یا در بهترین حالت، همچون «الفتح» خود را «فاقد هر گونه ایدئولوژی» می خواندند؛ بگذریم که به دلیل سیطره ایدئولوژی مارکسیستی در آن دوران، الفتح نیز عملاً تحت سیطره نیروهای مارکسیستی قرار داشت. در این فضا، مجال برای عرض اندام اسلام و گروه های اسلامی باقی نمی ماند و گروه های اسلامی انگشت شمار موجود نیز کاملاً ناشناخته بودند و حتی نیروهای امنیتی اسرائیل نیز خطری از جانب این گروه ها احساس نمی کردند. پیروزی انقلاب اسلامی در زمستان سرد بهمن ماه ۱۳۵۷ اما، اندکی بعد، آغاز بهار اسلام گرایی و فعالیت گروه های مقاومت اسلامی در فلسطین را رقم زد. انقلاب و در رأس آن امام خمینی، همان گونه که شهید دکتر فتحی شقاقی - مؤسس و رهبر سازمان جهاد اسلامی فلسطین - گفت، روح تازه ای به کالبد مقاومت اسلامی فلسطین دمید و راهی جدید پیش روی آنان که دل در گرو آزادی فلسطین داشتند و تمایلی به فعالیت زیر لوای مارکسیسم یا پان عربیسم نداشتند گذاشت. اکنون، غول اسلام گرایی از شیشه خارج شده بود و اسرائیل، پیش روی خود، شکل گیری گروه های مقاومت اسلامی را می دید؛ گروه هایی که اندکی بعد و تاکنون، بزرگترین تهدید برای موجودیت رژیم اشغالگر قدس محسوب می شوند. «حرکت مقاومت اسلامی» یا «حماس» یکی از دو گروه اسلام گرای فلسطینی بود که متعاقب پیروزی انقلاب اسلامی ایران و در سال ۱۹۸۷ توسط «دکتر عبدالعزیز زنتیسی» و «شیخ احمد یاسین» تأسیس شد و هم اکنون، بزرگترین و قدرتمندترین گروه مقاومت فلسطینی است که خود را تابع ایدئولوژی اسلامی می داند. سطور حاضر، تلاشیست برای معرفی مؤسس و پدر معنوی حماس، شهید شیخ احمد یاسین.

۱۹۳۶؛ سالی که احمد یاسین در روستای «الجوره» در جنوب فلسطین متولد شد، برای فلسطینی ها سال

به حبس ابد محکوم شد؛ حبسی که البته تا سال ۱۹۹۷ بیشتر ادامه پیدا نکرد و در این سال، شیخ احمد یاسین بنا بر توافقی که میان اردن و اسرائیل صورت گرفت، آزاد شد. قضیه از این قرار بود که موساد خالد مشعل، از رهبران برجسته حماس، را که در اردن به سر می برد، با مسموم کردن، ترور کرد؛ اما دولت اردن از قضیه مطلع شده و اسرائیل را تحت فشار گذاشت تا پادزهر مورد نیاز را در اختیار مشعل قرار دهند و همچنین، شیخ احمد یاسین را نیز آزاد کنند و همینطور هم شد.

سال ۱۹۸۳، اولین باری بود که شیخ احمد یاسین توسط نیروهای امنیتی اسرائیل دستگیر و به اتهام «تحریک مردم به مبارزه علیه اسرائیل» به ۱۳ سال زندان محکوم شد. به عبارت دیگر، یک فلسطینی را فقط به این دلیل که هم وطنانش را دعوت می کرد که سرزمین شان را از اشغالگران باز پس گیرند، به زندانی چنین طولانی مدت محکوم کردند؛ زندان شیخ اما، سال ۱۹۸۵ و در نتیجه عملیات تبادل اسرای که «جبهه خلق برای آزادی فلسطین» ترتیب داده بود پایان یافت

نسبتاً آرامی پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی بود و در همین حین سیل مهاجران یهودی از سراسر دنیا به فلسطین روانه می شد تا فقط دوازده سال بعد، «بن گور یون»، تأسیس دولت یهود را در «سرزمین موعود» اعلام کند. با تشکیل دولت صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ خانواده او - همانند دیگر فلسطینیان - به زور از سرزمین مادری خود بیرون رانده شدند و روستای آنان نیز ویران شد و خانواده یاسین، ناچار به غزه مهاجرت کردند. غزه ای که در آن سالیان تحت کنترل دولت مصر اداره می شد. در این سالیان، احمد یاسین جوان که حالا پس از چندین سال تحصیل، عالم دینی محبوبی شده بود در حد توان خود و بر روی منبر و در نمازهای جماعت و مناسبت های اسلامی و بعدتر در مقام رئیس «مجمع اسلامی غزه» می کوشید تا مردم را علیه اشغالگری اسرائیل برانگیزد و برای کمک به خانواده شهیدان و اسیران، کمک مالی جمع آوری کند.

موساد خالد مشعل، از رهبران برجسته حماس، را که در اردن به سر می برد، با مسموم کردن، ترور کرد؛ اما دولت اردن از قضیه مطلع شده و اسرائیل را تحت فشار گذاشت تا پادزهر مورد نیاز را در اختیار مشعل قرار دهند و همچنین، شیخ احمد یاسین را نیز آزاد کنند

صبح روز ۲۲ مارس ۲۰۰۴ و آن هنگام که شیخ احمد یاسین در حال بازگشت از نماز صبح در مجمع اسلامی غزه بود، صدای پره های هلیکوپترهای «آپاچی» ارتش به گوش رسید و تنها لحظاتی بعد، پدر معنوی حماس، با موشک های این هلیکوپترها به شهادت رسید. اسرائیل این گونه ثابت کرد که «از خانه عنکبوت هم بست تر است»؛ چه این که آن قدر از این پیر مرد ۷۰ ساله و یلچر نشین هراس داشت که با شلیک چندین موشک، به زندگی او پایان داد. مردم فلسطین هنوز آخرین مصاحبه شیخ احمد یاسین را به یاد دارند؛ آن جا تنها چند روز قبل از ترورش، گفت: «ما عاشقان شهادتیم و علاقه ای به این زندگی کوتاه نداریم... ما برای رسیدن به زندگی ابدی تلاش می کنیم».

تا شیخ احمد یاسین، که حالا شناخته شده تر از هر وقت دیگری بود و فضا را نیز آماده تشکیل گروه مقاومت اسلام گرامی دید، همراه با عده ای دیگر از اسلام گرایان فلسطینی، «جنبش مقاومت اسلامی فلسطین» (حماس) را تشکیل دهند. شکل گیری حماس که با شعله کشیدن آتش های انتفاضه اول همزمان شده بود، زنگ خطر را در داخل سازمان های امنیتی اسرائیل به صدا درآورد؛ چه این که در سالیان پیش از آن «سازمان جهاد اسلامی فلسطین» عملیات های پرشماری را علیه نیروهای اشغالگر اسرائیلی انجام داده بود و اسرائیلی ها اکنون به شدت از ناحیه اسلام گرایان احساس خطر می کردند. این گونه بود که سال ۱۹۹۱، شیخ احمد یاسین دوباره دستگیر و این بار به اتهام تأسیس حماس



جنايات سعوديها عليه شيعيان قطيف، بيش از اقدامات صهيونيست ها عليه فلسطينيان است



منازل مانند منطقه المسوره و عدم تحویل پیکر شهدا به خانواده شان. سعودی ها در جنایت علیه مردم عربستان از اسرائیلی ها پیشی گرفته اند و مانع از ورود خودروهایی اورژانس و آتش نشانی برای خاموش کردن آتش ها در طول اعتراضات می شوند. تیراندازی مستقیم به سوی تظاهرات کنندگان نمونه ای از جنایات سعودی ها است. اسرائیلی ها در حوزه مدیریتی فلسطینی ها را به حاشیه رانده اند و تشکیلات خودگردان را روی کار آورده اند اما سعودی ها همین راه هم به مردم شرق عربستان نمی دهند و در عرصه رسانه ای و تشکیل احزاب و سازمان های سیاسی نیز فعالیت ما ممنوع است. ما و فلسطینی ها از یک جام تلخ می نوشیم اما جام ما بسیار تلخ تر است. به همین دلیل نیز دردها و رنج های آنها را حس و با مبارزان فلسطینی همدردی می کنیم.

▼ **تحلیلتان از توجه جامعه بین الملل به ظلم سعودی ها علیه شما چیست؟**

مسئله ما به دلیل منافع کشورهای جهان در ارتباط با رژیم حاکم بر عربستان حساس است و راهی طولانی تا تغییر موازنه قوا داریم تا کشورهای جهان موضعشان را متناسب با منافع خود تغییر دهند. آن روز دیر نیست که جهان بفهمد منافعش در همراهی با ملت های منطقه ما است نه همراهی با رژیم های مستبد حاکم بر منطقه ما. ما از همدردی هر یک از مسئولان ایرانی و علمای دین در این کشور با مردم عربستان در احقاق حقوقشان تشکر می کنیم و تلاش های رسانه های ایران در نقل رنج های مردم مان را نیز ارج می نهیم.

▼ **نظر شما درباره اصلاحات «محمد بن سلمان» در عرصه داخلی عربستان چیست؟**

اجازه دسترسی به برخی آزادی های اجتماعی ساده ترین حقی است که مردم جزیره العرب بیش از ۸۰ سال از آن محروم بوده اند. زمانی که ولیعهد سعودی اجازه می دهد رنگ چادر زن از سیاه به دیگر رنگ ها تغییر کند، جهان باید درک کند حجم رنج های مردم جزیره العرب تحت سلطه استبداد سعودی طی دهه های اخیر چقدر بوده است.

شهری، نظامی و امنیتی باید به ساکنان این منطقه بازگردد و این درخواست اصلی ماست.

▼ **پاسخ شما به اتهامات سعودی ها علیه شیعیان قطیف مبنی بر آشوب افکنی و برهم زدن ثبات در این منطقه چیست؟ چگونه حرکت مسالمت آمیز خود را ادامه می دهید؟**

طبیعی است که سعودی ها تحرکات مردم و صاحبان این منطقه را آشوب توصیف کنند. درخواست تحویل مدیریت شهری به ساکنان محلی و تظاهرات مسالمت آمیز و عدم تغییر بافت جمعیتی آشوب است؟! حاکم نمی کند. حرکت مسالمت آمیز از زمان سلطه سعودی ها بر منطقه در سال ۱۹۱۳ آغاز شد و مردم، شهید و زندانی و تبعیدی داده اند. مردم ما تحرک خود را از طریق پیشنهادات به پادشاه سعودی، اعزام هیئت برای درخواست شفاهی و تحرک سیاسی ادامه دادند و امروز نیز خواسته مردم بیدار ما، بازگشت پیکر باقی مانده شهدا به ویژه شهید «نمر باقر النمر» است. این حرکت از طریق صدها زندانی در بازداشتگاه های سعودی ها و فعالان در تبعیدگاه ها و فعالیت سیاستمداران و حقوقدانان و خبرنگاران از طریق شبکه های رسانه ای مختلف است. شبکه های اجتماعی نیز به دلیل نزدیکی به مردم و محدودیت امکانات بیش از همه در این زمینه فعال هستند.

▼ **آیا روش سعودی ها در سرکوب مردم قطیف با روش صهیونیست ها در سرکوب ملت فلسطین یکسان است؟ مسئله فلسطین چه جایگاهی نزد شما دارد؟**

عامل اصلی تشکیل اسرائیل و آل سعود، یکی و آن هم انگلیس است. سعودی ها با تانک های آمریکایی به قدرت رسیدند و نیروی هوایی انگلیس قبایل مخالف حکومت سعودی ها را بمباران می کرد. بنابراین طبیعی است که روش هایی که سعودی ها و اسرائیل استفاده می کنند، یکی باشد. سعودیها از همان روش سرکوب ملت فلسطین علیه مردم القطیف استفاده می کنند؛ مانند بودن، ترور سیاسی، انواع شکنجه ها، تخریب

رژیم آل سعود که در درون خود با جنگ قدرت میان شاهزادگان و در عرصه جهانی نیز با شکست های گسترده ای مواجه شده در حوزه اجتماعی و مردمی نیز شرایط نابسامانی را سپری می کند. مردم عربستان از سال ها پیش برای احقاق حقوق خویش اعتراضات مسالمت آمیزی را آغاز کرده اند که پاسخ حکومت به آنها سرکوب و بازداشت بوده است. عفو بین الملل از وجود ۳۰ هزار زندانی سیاسی در زندان های آل سعود خبر داده است. بررسی کارنامه سه ساله پادشاه عربستان به ویژه در مناطق شرقی یعنی القطیف و العوامیه، نشانگر ناتوانی آل سعود در برابر اعتراضات مردمی است که با سانسورهای گسترده و بی سابقه خبری و حمایت های غرب به دنبال پنهان سازی آن است.

شهر العوامیه برای چندمین بار از حدود دو ماه پیش شاهد حضور گسترده نیروهای امنیتی است و مسئولان سعودی حمله امنیتی گسترده ای را برای ویران کردن محله تاریخی و باستانی المسوره در چارچوب کوچاندن اجباری ساکنان آن اجرا می کنند. در این حمله تاکنون تعدادی از شهروندان سعودی و حتی کارگران خارجی بر اثر اعمال زور بیش از حد و تیراندازی بی هدف نیروهای امنیتی جان خود را از دست داده اند. همچنین چندین شهروند نیز به بهانه های واهی توسط سعودی ها اعدام شده اند.

در همین راستا با «احمد الربیع» رهبر جمعیت توسعه و تغییر و از مخالفان رژیم آل سعود گفت و گو کردیم که شرح آن در ادامه از نظر می گذرد:

▼ **لطفاً درباره آخرین وضعیت منطقه العوامیه و القطیف و سرکوب مردم در این مناطق به دست سعودی ها توضیح دهید.**

پس از تخریب محله «المسوره» که سازمان ملل اواخر سال گذشته آن را منطقه ای تاریخی به حساب آورد، هزاران نفر از ساکنان این منطقه اخراج و بیش از ۳۰ نفر نیز شهید و ده ها تن نیز مجروح شدند. مقامات سعودی در ادامه به صورت روزانه، تعدادی از شهروندان و ساکنان این منطقه را بازداشت و روانه زندان می کردند. چند روز پیش هم «سعود بنایف» از مقامات امنیتی سعودی، تحت مراقبت شدید از العوامیه بازید کرد و با نمایش

اعدام و یا حبس به اتهام تظاهرات و سردادن شعار علیه آل سعود می شود.

▼ **علت حمله نظامیان آل سعود به مردم و شیعیان قطیف چیست؟**

شرق جزیره العرب یا منطقه شرقی به تعبیر سعودی ها، رگ اقتصادی برای عربستان است. زیرا اولاً در بردارنده بزرگترین منبع نفتی در جهان است و ثانیاً تنها گذرگاه دریایی منطقه نجد (پل ارتباطی با پایتخت عربستان) است و بدون آن، عربستان در یک حلقه بسته و به دور از جهان خواهد بود مانند نقاط ناشناخته در کشورهای آفریقای. سوما نیز ساکنان اراضی شرقی به دلیل تحرکات مستمر خود به منظور دستیابی به حقوقشان، برای سعودی ها در دسر ساز بوده اند. به همین دلیل نیز شاهد به شهادت رساندن مردم و کشتن آنها در خیابان، تبعید داخلی و حالت فوق العاده مستمر و حضور گسترده خودروهایی نظامی در اطراف شهرهای استان قطیف و ورودی های آن هستیم.

▼ **اشاره کردید که مردم و شیعیان در این مناطق به دنبال احقاق حقوقشان هستند. در خصوص خواسته های آنها از رژیم سعودی توضیح دهید.**

آن روز دیر نیست که جهان بفهمد منافعش در همراهی با ملت های منطقه ما است نه همراهی با رژیم های مستبد حاکم بر منطقه ما

در سال ۱۹۱۳ میلادی حکومت نجد با زور سلاح بر الاحساء مسلط شد و پس از آن القطیف را هم با تهدید در کنترل خود در آورد. بعد از آن ضمن تعیین حاکم امنیتی برای این منطقه، اسم منطقه را هم به «منطقه شرقی» تغییر داد که در آنجا منصب حاکم امنیتی از پدر به پسر می رسد. شرق جزیره العرب امروز تحت سلطه مطلق ریاض قرار دارد و حاکم امنیتی سعودی ها (امیر منطقه شرق) نیز نقش حاکم مطلق را علیه اهالی آن ایفا می کند. همچنین تمام ادارات دولتی در این منطقه نیز تحت کنترل نماینده های ریاض هستند. مدیریت

خودروهای نظامی خود، بر قدرت سعودی ها در سرکوب مردم در صورت اعتراض تاکید کرد. خانواده افراد بازداشت شده در منطقه شرقی، از شکنجه فرزندانشان به صورت شدید در بازداشتگاه های سعودی خبر می دهند و این در حالی است که هیچ رسانه ای نیز به این موضوع توجه ندارد. همچنین سازمان های حقوق بشری نیز قادر به ارتباط با زندانیان و ملاقات با آنها نیستند. هر هفته روزنامه های سعودی اخباری مبنی بر صدور احکام علیه این زندانیان در اتاق های سیاه و تاریک واهی منتشر می کنند؛ این احکام شامل گردن زدن و



گفت‌گوهای اسلام و بودیسم در تایلند

دور جدید گفت‌گوهای اسلام و بودیسم با مشارکت دانشگاه چولالانگکورن تایلند برگزار می‌شود. این دور از گفت‌گوهای اسلام و بودیسم با حضور میهمانانی از ایران، سریلانکا و میانمار و حدود یکصد نفر از شخصیت‌های عالیرتبه مذهبی و دینی بودایی و مسلمان تایلندی در دانشگاه چولالانگکورن - قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین دانشگاه تایلند با بیش از ۱۰۰ سال سابقه فعالیت - برگزار خواهد شد. این نشست دو روزه با محوریت تفاهم و بردباری دینی و مذهبی و صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز و برای آشنایی هرچه بیشتر دانشمندان دینی هر دو آیین و دین نسبت به ویژگی‌ها و خصوصیات اعتقادی، اخلاقی و رفتاری یکدیگر برگزار می‌شود. معاون قائم مقام وزیر فرهنگ تایلند، نماینده شیخ الاسلام تایلند و مشاور پادشاه در امور مسلمانان، سفیر جمهوری اسلامی ایران در تایلند، رییس دانشگاه چولالانگکورن، روحانیون عالیرتبه و ارشد بودایی از میانمار و سریلانکا و تعداد زیادی از متفکرین و دانشمندان دینی مسلمان و بودایی تایلند از جمله شرکت‌کنندگان این نشست هستند.

«یاسر الحوری» دبیر کل شورای عالی سیاسی یمن در گفت‌وگو با بیت المقدس:

انگلیس «مغز استراتژیک» متجاوزان در یمن است



تحولات یمن وارد مرحله جدیدی شده است. اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد اخیراً موافقت خود را با پیشنهاد دبیر کل این سازمان برای تعیین «مارتین گریفیتس» به عنوان فرستاده سازمان ملل در امور یمن اعلام کردند تاوی دومین نماینده جامعه جهانی برای حل بحران یمن طی سه سال اخیر باشد. پیشتر گوتروش در نامه به شورای امنیت ضمن معرفی گریفیتس، اعلام کرده بود که مارتین گریفیتس مهارت بالایی در حل درگیری‌ها، انجام مذاکرات و میانجی‌گری دارد.

در این گیرودار «عادل الجبیر» وزیر خارجه سعودی تلاش می‌کند تا بر اختلافات میان ریاض و ابوظبی بر سر غارت منابع متعلق به مردم یمن سرپوش بگذارد و این اختلافات را انکار کند. این تحولات در حالی اتفاق می‌افتد که رژیم سعودی و مزدوران آن از جمله «عبدربه منصور هادی» رئیس جمهوری مستعفی و فراری یمن، جمهوری اسلامی ایران را به دخالت در امور این کشور متهم می‌سازند. در همین ارتباط پیشتر منصور هادی مدعی شده بود که یمنی‌ها با پول و سلاحی که از سوی ایران به انصارالله می‌رسد، کشته می‌شوند! این ادعا و اتهام آنقدر مضحک و پیش پا افتاده است که حتی سازمان ملل متحد هم آن را تکذیب و اعلام کرده است که هیچ سندی مبنی بر حمایت نظامی ایران از گروه‌های یمنی وجود ندارد.

در همین ارتباط، به سراغ دکتر «یاسر الحوری» دبیر شورای عالی سیاسی یمن رفتیم تا با وی در خصوص تحولات مختلف در این کشور به گفت‌وگو بنشینیم. **همانطور که می‌دانید «مارتین گریفیتس» به عنوان فرستاده جدید سازمان ملل در امور یمن منصوب شده است. به نظر شما در سایه این**

انگلیس، فرستاده جدید سازمان ملل متحد هم نتواند حداقل در آینده نزدیک تغییر و تحول جدی را در یمن ایجاد کند. البته پیش از آغاز رسمی مأموریت گریفیتس نمی‌توان درباره او و عملکردش زود قضاوت کرد. ما امیدواریم که گریفیتس در پایان ماه جاری میلادی به یمن سفر کرده و با گروه‌های یمنی دیدار کند. ما معتقد هستیم هیچ قدرتی نمی‌تواند نبرد کنونی را از طریق راهکار نظامی در یمن به نفع خود به پایان برساند. راهکار حل بحران یمن گفت‌وگو و مذاکره در یک شرایط کاملاً منصفانه و عادلانه است. وقت آن رسیده است که متجاوزان سعودی از اقدامات خصمانه خود دست کشیده و زمینه‌های مذاکرات سیاسی را از بین نبرند. ماه‌ها تعهدات سابق خود در مذاکرات پایبند هستیم. «صالح الصماد» رئیس شورای عالی سیاسی یمن پیشتر هم تأکید کرده بود که یمن حاضر است در ازای توقف تجاوز ائتلاف متجاوز سعودی، شلیک موشک‌های بالستیک خود به مواضع این رژیم را متوقف سازد. اگر امروز شاهد آن هستیم که هیچگاه مذاکرات سیاسی در یمن موفقیت‌آمیز نبوده است، علت این مسئله به کارشکنی‌های رژیم سعودی در مسیر مذاکرات بازمی‌گردد. عربستان سعودی «ولداالشیخ»

می‌خواهیم، حمایت از یمن در برابر هیمنه استکبار جهانی است. از جهانیان می‌خواهیم تا از مردم یمن دفاع کرده و برای به محاکمه کشاندن جنایتکاران جنگی در دادگاه‌های بین‌المللی به ما کمک کنند. روابط مادر یمن با جمهوری اسلامی ایران در چارچوب محور مقاومت است. یمن امروز در خط مقاومت قرار دارد؛ خطی که کشورهای آزاده در جهان یعنی لبنان، سوریه، عراق و ونزوئلا در آن هستند. ایران همواره تلاش زیادی کرده تا تلاش‌های سیاسی برای پایان یافتن جنگ علیه یمن به ثمر بنشینند. اینکه می‌بینید سعودی‌ها و اماراتی‌ها ایران را به کمک نظامی به گروه‌های یمنی متهم می‌سازند به این دلیل است که برای آن‌ها ساخت است اذعان کنند در مقابل قدرت و توان دفاعی و موشکی نیروهای یمنی متحمل شکست سنگینی شده‌اند. من پیشتر به مقلات ایرانی نیز گفته بودم که یمن در خط مقاومت قرار دارد و از مواجهه با آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها استقبال می‌کند.

طی روزهای اخیر مقامات انگلیس اظهار نظرهایی را پیرامون نگرانی‌شان از وضعیت یمن مطرح کرده‌اند. این در حالی است که حمایت‌های تسلیحاتی لندن از متجاوزان سعودی همچنان ادامه دارد. علت اصلی اتخاذ این مواضع دوگانه چیست؟

دولتمردان انگلیس تاکنون مواضع دوگانه بسیاری در قبال تحولات یمن اتخاذ کرده‌اند. در حالی که مقامات انگلیس مدعی هستند تنه‌راه پایان بحران یمن، راهکار سیاسی و اجتناب از تداوم گزینہ نظامی است، شاهد هستیم که سلاح‌های انگلیسی به وفور به کشورهای عضو ائتلاف متجاوز سعودی فروخته می‌شوند. علاوه بر این، انگلیسی‌ها یکی از طرف‌آخان اصلی جنگ یمن هستند و تحولات کنونی یمن همچون محاصره فرآگیر مردم عمدتاً ناشی از طراحی لندن هستند. انگلیس «مغز استراتژیک» متجاوزان در یمن است و آن‌ها را در این هدایت می‌کند. همه می‌دانند که لندن در طول تاریخ چشم طمع به یمن داشته است. این انگلیس است که امروز جنوب یمن را به اشغال خود درآورده است.

حسنه توصیف کرده است. آیا واقعاً اختلافی میان عربستان و امارات در مسئله یمن وجود ندارد؟

سخنان وزیر خارجه سعودی مبنی بر عدم وجود اختلاف میان ریاض و ابوظبی خلاف واقع و نادرست است. بیان این سخنان به مثابه تلاش برای انکار واقعیتی آشکار است. امروز چه کسی می‌تواند مواجهه نظامی عربستان و امارات در جنوب یمن را کتمان کند؟ مزدوران دو طرف امروز برای تحقق منافع و مصالح‌شان در مناطق جنوبی به جان یکدیگر افتاده‌اند. آثار و نشانه‌های این درگیری‌ها کاملاً واضح و عیان است. امارات تاکنون اجازه نداده منصور هادی به عنوان یکی از مزدوران سعودی پای خود را در عدن بگذارد. هوایماها و جنگنده‌های اماراتی اوضاع را در جنوب عدن ردمی کنند تا مبادا هادی به این شهر برود. دعوی امروز عربستان و امارات بر سر نفوذ و قدرت است. آن‌ها به دنبال سيطرة بر تنگه استراتژیک «باب‌المندب» هستند. ابوظبی و ریاض هر دو در صدد غارت منابع نفتی و گازی یمن هستند و به همین دلیل است که با یکدیگر به اختلاف بر خورند. آن‌ها به ثروت‌های یمن چشم طمع دوخته‌اند. یمن گورستان جنایتکاران است. البته ما اعتقاد داریم که عربستان و یمن خودمزدوران بازبگران اصلی یعنی آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها هستند. بدون هیچ تردیدی، مقاومت مردم یمن هیمنه ریاض و ابوظبی را درهم خواهد شکست.

شما به عنوان یک فعال حزبی در یمن حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران از مردم این کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ انتظار دارید چه گام‌هایی از سوی ایران در راستای حمایت از یمن برداشته شود؟

ما از سلسله تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران در رسیدگی به پرونده یمن و حمایت از آن قدر دانی می‌کنیم. دشمن مدعی است که ما یمنی‌ها مزدور ایران هستیم و این کشور مردم یمن را به قتل می‌رساند. با این حال، این ادعا واقعیت‌های حمایت ایران از مردم یمن را تغییر نمی‌دهد. چیزی که ما امروز از همه دولت‌ها در جهان

ابوظبی و ریاض هر دو در صدد غارت منابع نفتی و گازی یمن هستند و به همین دلیل است که با یکدیگر به اختلاف بر خوردند

را به پیغام‌رسان خود تبدیل کرده و راه حل سیاسی در یمن را با شکست مواجه ساخته بود. در حال حاضر منتظر هستیم مأموریت گریفیتس به صورت رسمی آغاز شود و سپس درباره‌ی اظهار نظر کنیم. امیدوارم تاوجه به ملیت انگلیسی گریفیتس ارتباطی میان وی و دولتمردان لندن وجود نداشته باشد.

«عادل الجبیر» وزیر خارجه سعودی در اظهار نظر اخیر خود ضمن تکذیب اختلافات ریاض و ابوظبی در یمن، روابط میان دو طرف را

انتصاب آیامی توان حل بحران یمن و پایان جنگ علیه این کشور را متصور بود؟

احزاب، گروه‌ها و جریان‌های یمنی مدت‌هاست که خواستار تغییر فرستاده سازمان ملل در امور یمن هستند. سازمان ملل در اقدام به این مسئله حتی دیر هم عمل کرده است. ولداالشیخ مدت‌ها بود که دیگر به عنوان یک عنصر بی‌طرف در جنگ یمن شناخته نمی‌شد. با این وجود، معتقد هستیم که در شرایط کنونی و در سایه کارشکنی‌های استکبار جهانی و در رأس آن ایالات متحده آمریکا و

مسئول خبرگزاری داعش در موصل دستگیر شد

نیروهای ارتش عراق هفته گذشته موفق شدند مسئول خبرگزاری «اعماق»، وابسته به گروه تروریستی داعش را در موصل دستگیر کنند. «عبدالعزیز المعاضیدی»، مسئول اطلاعات ارتش عراق گفت: ارتش موفق شده «عثمان خالد الامین»، مسئول این رسانه داعش را دستگیر کند. المعاضیدی افزود: این عضو داعش در روستایی در حومه موصل دستگیر شد. او بلافاصله بعد از دستگیری اطلاعاتی را درباره بعضی از همدستانش در اختیار گذاشته که به دستگیری شش نفر دیگر در همان روستا منجر شده است. خبرگزاری اعماق، سال ۲۰۱۴ و همزمان با اشغال بخش‌هایی از عراق و سوریه توسط گروه تروریستی داعش ایجاد شد. رسانه داعش، از زمان ایجاد اقدام به انتشار اخباری برای ارباب شهرنندان کشورهای مختلف و انتشار تصاویر جنایات این گروه تروریستی کرده است.



بررسی چرایی سفرهای متعدد رئیس جمهور ترکیه به قاره آفریقا

رامین ولی زاده میدانی

اهداف استراتژیکی که اردوغان را به آفریقا می‌کشاند



سفر یک هفته‌ای اخیر رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه به چند کشور آفریقایی از اهداف ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آنکارا در کشورهای این قاره حکایت داشت. رئیس جمهور ترکیه طی این سفر از کشورهای الجزایر، موریتانی، سنگال و مالی دیدار کرد. اهداف حضور ترکیه در کشورهای آفریقایی در سه حوزه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قابل تقسیم است. این نوشتار نیز تلاش می‌کند به بررسی و تبیین این اهداف بپردازد. بخش نخست به اهداف سیاسی، بخش دوم به اهداف اقتصادی و سومین بخش نیز به اهداف فرهنگی می‌پردازد.

نخستین هدف سفر دوره‌ای اردوغان به کشورهای آفریقایی و حضور ترکیه در این کشورها به اهداف سیاسی مربوط می‌شود. از آنجایی که آنکارا در طی تحولات منطقه‌ای نتوانسته به انتظارات ژئوپلیتیکی خود دست یابد؛ لذا به دنبال چتر حمایتی از کشورهای دیگر است. به نظر می‌رسد ترکیه به دنبال تحقق بخشیدن به دکترین عمق استراتژیک خود تلاش دارد چتر حمایتی این کشور از بین کشورهای آفریقایی باشد. در حقیقت اشتباهات استراتژیک آنکارا در منطقه باعث شده است که به سمت کشورهای آفریقایی حرکت کند. ترکیه با این اقدام هم از شرایط بفرنج کنونی خارج می‌شود و هم با تلاش برای گسترش حوزه نفوذ خود در کشورهای آفریقایی به قدرت سازی در این منطقه گام می‌گذارد.

ترکیه هنوز حضور تاریخی خود در شمال آفریقا را فراموش نکرده است؛ لذا این کشور تلاش دارد حوزه‌های نفوذ امپراتوری عثمانی در شمال این قاره و سواحل مدیترانه را احیا سازد. این موضوع با تلاش آنکارا برای معرفی کردن خود به عنوان رهبر جهان اسلام تناسب دارد. ترکیه در سال‌های اخیر نه تنها به دنبال حضور در شمال آفریقا بوده است، بلکه سعی

می‌کند حضور خود را به کشورهای مرکزی و جنوبی این قاره نیز گسترش دهد. اردوغان چند ماه قبل سفری نیز به کشورهای تونس، سودان و چاد داشت. سفر اخیر نیز در تداوم سفرهای پیشین انجام می‌شود. ترکیه در حال حاضر به دنبال بازگشایی سفارتخانه در تمام کشورهای این قاره است. اهمیت نگاه آنکارا به آفریقا را می‌توان از نام گذاری سال ۲۰۰۵ در ترکیه به عنوان «سال آفریقا» فهمید. ترکیه در آن زمان دوازده سفارتخانه در این قاره داشت؛ اما در حال حاضر تعداد سفارتخانه‌های این کشور در آفریقا به رقم ۴۴ رسیده است. آنکارا در نظر دارد که طی ماه‌های آتی تعداد سفارتخانه‌های خود را در آفریقا افزایش دهد و در همه پنجاه و چهار کشور این قاره سفارتخانه داشته باشد.

نشست سران ترکیه و آفریقا در سال ۲۰۰۸ برگزار شد

میلیارد دلار می‌رسید؛ اما اکنون به رقم ۱۶/۷ میلیارد دلار ارتقا پیدا کرده است. بر این اساس آنکارا طبق اهداف اقتصادی خود تلاش می‌کند حضور مؤثری در بازارهای اقتصادی قاره آفریقا داشته باشد و روابط تجاری خود را بیش از پیش گسترش دهد.

الجزایر که یکی از مقاصد سفر اخیر اردوغان بود، نمونه‌ای از اهداف اقتصادی ترکیه در قاره آفریقا را نشان می‌دهد. رئیس جمهور ترکیه در دیدار با همتای الجزایری خود روابط اقتصادی طرفین همچون توافقنامه تجارت در حوزه‌های گاز، آهن و فولاد را مورد بررسی قرار داد. تلاش آنکارا برای افزایش گردشگران الجزایری نیز در این راستا ارزیابی می‌شود. حدود صد و هفتاد هزار گردشگر از این کشور طی سال گذشته به ترکیه سفر کرده‌اند. حجم سرمایه گذاری ترکیه در الجزایر در حال حاضر به میزان ۷ میلیارد دلار است و آنکارا تلاش دارد این مقدار را به ۱۰ میلیارد دلار ارتقا دهد. حجم تجاری طرفین اکنون ۳/۵ میلیارد دلار است و آن‌ها به دنبال افزایش دو برابری این رقم در طی پنج سال آتی هستند. حضور ۷۹۷ شرکت ترکیه‌ای در این کشور از عزم جدی ترک‌ها حکایت دارد.

اهداف فرهنگی ترکیه در قاره آفریقا نیز قابل توجه است. حدود پنج هزار دانشجوی آفریقایی در حال حاضر در این کشور مشغول به تحصیل هستند. ترکیه تاکنون به بیش از ۱۰ هزار دانشجوی این قاره نیز بورس تحصیلی ارائه کرده است. در حقیقت این کشور با نفوذ فرهنگی در کشورهای آفریقایی می‌تواند بستری برای اهداف دیگر خود فراهم سازد؛ لذا جذب دانشجویان از این قاره و فعالیت‌های رسانه‌ای در این چارچوب انجام می‌گیرد. آنکارا در کنار اقدامات فرهنگی خود در آفریقا از فعالیت مراکز آموزشی وابسته به فتح‌الله گولن نیز ممانعت به عمل می‌آورد؛ به گونه‌ای که مدارس وابسته به این سازمان در بسیاری از کشورهای آفریقایی بسته شده‌اند.

مجموعه اهداف گفته شده مهم‌ترین عواملی بود که رئیس جمهور ترکیه را به کشورهای آفریقایی می‌کشاند. فضای بکر این کشورها برای بیشتر دولت‌های دنیا جذاب است که ترکیه نیز به دنبال تثبیت حضور خود در این فضا است.

و آنکارا از همان سال به عنوان شریک استراتژیک این قاره محسوب می‌شود. رئیس جمهور ترکیه تاکنون به بیست و هشت کشور آفریقایی سفر کرده است. این نکته حائز اهمیت است که آنکارا به حضور نظامی خود در آفریقا نیز اهمیت می‌دهد. احداث پایگاه نظامی ترکیه در سومالی نشان دهنده نگاه آنکارا به حضور نظامی در این قاره است. ترکیه در سال ۲۰۱۷ این پایگاه را به عنوان دومین پایگاه نظامی خارجی خود تأسیس کرد. این کشور همچنین جزیره سواکین سودان را برای مقاصد نظامی اجاره کرده است. آنکارا با این اقدام خود به دنبال بازسازی پایگاه نظامی امپراتوری عثمانی در این منطقه است. این موضوع زمانی اهمیت می‌یابد که بدانیم این پایگاه در نزدیکی تنگه استراتژیک باب‌المندب قرار گرفته است.

هدف مهم دیگری که آنکارا در قاره آفریقا دنبال می‌کند و سفرهای دوره‌ای اردوغان نیز در این راستا قرار دارد، به موضوع اقتصادی برمی‌گردد. لازم به ذکر است که آفریقا دومین قاره بزرگ جهان محسوب می‌شود. آفریقا با دارا بودن جمعیت یک میلیارد و دو بیست میلیون نفری حدود بیست درصد از جمعیت دنیا را در بر گرفته است. عناصر بارز زشی در این قاره یافت می‌شود که درصد قابل توجهی از مقدار جهانی این عناصر است. به عنوان نمونه بیش از ۹۰ درصد میزان جهانی عناصری چون الماس و کروم در آفریقا یافت می‌شود. پلاتین، طلا، منگنز، کبالت و فسفات نیز به مقدار بیش از ۵۰ درصد اندازه جهانی آن در این قاره وجود دارد. همچنین بیش از ۳۰ درصد میزان جهانی بوسکیت، توریوم و اورانیوم در قاره آفریقا پیدا می‌شود. مس نیز به مقدار ۱۳ درصد اندازه جهانی در این قاره وجود دارد. آفریقا تا ۲۵ درصد پتانسیل «یدروالکتریک» جهان را نیز به خود اختصاص داده است. این درصدها به خوبی ارزش این قاره پهناور را نشان می‌دهد.

آنکارا طی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۵ توانسته بود حدود نود و سه میلیارد دلار در آفریقا سرمایه گذاری کند. میزان سرمایه گذاری این کشور در حال حاضر به بیش از صد میلیارد دلار رسیده است. ترکیه با این اقدام می‌تواند حضور پررنگی در بازار یک تریلیون دلاری قاره آفریقا داشته باشد. حجم تجارت این کشور با کشورهای این قاره در ۱۰ سال گذشته به میزان ۳

ترکیه در سال ۲۰۰۵ دوازده سفارتخانه در قاره آفریقا داشت؛ اما در حال حاضر تعداد سفارتخانه‌های این کشور در آفریقا به رقم ۴۴ رسیده است





به پرچم عزیز فلسطین

سید رضا محمدی

شاعر افغانستانی

هزار مرد به پای تو جان سپردند و...
هزار دست تو را باز می فشردند و...
سپیدی ات را تا صلح سازمان ملل
سپید باشد از الخلیل بر دند و...
ز سبز و دکا کردند امیرهای عرب
تورا به همراهش قطعه قطعه خوردند و...
سیاهی ات را پیراهن زنی کردند
که بچه هایش در انتفاضه مردند و...
تو سرخ خونت بر شانه منتشر شده بود
که شانه های تو آزرده اند و تر دند و...
تو سرخ خونت در روزنامه های جهان
که کشته ها را از جنگ می شمردند و...
هزار مرد به پای تو جان سپردند و...
هزار دست تو را باز می فشردند و...

خیلی دور خیلی نزدیک



گلزار شهدای انصارالله یمن در شهر تعز / در حالی در آستانه چهارمین سالگرد جنگ عربستان و هم پیمانانش علیه یمنی ها قرار داریم که آل سعود به هیچ یک از اهدافش نرسیده است

کانالی برای تحلیل تحولات منطقه ای



سرعت تحولات در منطقه غرب آسیا روز به روز بیشتر می شود و صف کشی ها و جبهه آرایی ها هم دستخوش تحولات ریز و درشت است، از همین باب دنبال کردن اتفاقات از مجاری صحیح و قابل اعتماد یکی از دغدغه های همیشگی افکار عمومی به ویژه علاقمندان مسائل منطقه است. مهمتر از این ارائه تحلیل های دقیق، منصفانه و منطبق بر واقعیت است که به تنویر افکار عمومی و شناسایی ریشه های اصلی تحولات کمک شایانی می کند. «دکتر مسعود اسداللهی» چهره شناخته شده ای برای اهالی رسانه و همچنین علاقمندان به موضوعات منطقه ای بویژه تحولات محور مقاومت است. وی که به ارائه تحلیل های واقع بینانه، علمی و مستند شناخته می شود چند هفته ای است که کانال تلگرامی خود راه اندازی کرده تا بطور مستمر با مخاطبان در ارتباط باشد. کانال تلگرامی «مسعود اسداللهی» که در معرفی خود آورده است: تحلیل مسائل روز خاورمیانه از دیدگاه دکتر مسعود اسداللهی، تلاش می کند ضمن انتشار برخی اخبار فوری و مهم، در کنار آن به ارائه تحلیل های سریع و عمیق در خصوص این تحولات اقدام نماید.

باز نشر مقالات و مصاحبه ای اسداللهی با رسانه های ایرانی و خارجی از دیگر بخش های این کانال است. همچنین فیلم و متن برخی سخنرانی های وی در موسسات تخصصی و یا مراسمات رسمی از دیگر بخش های این کانال است.

باز نشر برخی فیلم ها و نمائندگی های جذاب مرتبط با مسائل روز و یا مناسبت های تقویمی از بخش های دیگر کانال است.

برای دسترسی به کانال دکتر اسداللهی باید از لینک <https://t.me/drmasadollahi> بهره گرفت.

القاعده و خواهرانش رابطه شناسیم



کتاب «القاعده و خواهرانش» نوشته کمیل الطویل از آثار ارزشمند درباره این گروه تروریستی است.

به جرأت می توان گفت این اثر یکی از جذاب ترین کتاب ها در حوزه شناخت القاعده و سازمان های جهادی است. این کتاب ضمن درک ضرورت ها و الزام های تبارشناسی القاعده، با محور قرار دادن تاریخچه مشروح مبارزات مسلحانه سازمان های جهادی فعال در سه کشور مصر، لیبی و الجزایر که در آن سالها به رغم ضعف و محدودیت های القاعده همچنان جزو عناصر مقاوم و جدی این سازمان محسوب می شدند، تلاش دارد نحوه شکل گیری القاعده و نقش و ارتباط مجاهدین مصری، لیبیایی و الجزایری با سازمان اسامه بن لادن را واکاوی کند. در این کتاب مطالب قابل توجهی درباره حضور گروه های تشکیل دهنده القاعده در افغانستان و پاکستان و ساختار سازی مجدد آنها در این کشورها ارائه شده است.

نویسنده که از روزنامه نگاران مطرح روزنامه الحیاه است، به علت اقامت در لندن و ارتباط با محافل اسلام گرا به ویژه در دهه ۹۰ که رهبران و عناصر جهادی حضوری پررنگ در پایتخت انگلیس داشتند، توانسته است اطلاعات مفصل، جدید و تا حد زیادی قابل اعتماد در خصوص عملکرد مجاهدین جمع آوری و آنها را در قالب کتابی با عنوان القاعده و خواهرانش منتشر کند. نقل قول ها و خاطراتی که از رهبران این سازمان ها بیان شده است، این کتاب را خواندنی تر می کند.

این اثر را مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه سازان نور در سال ۹۱ منتشر و روانه بازار کتاب کرده است.

«سیل آسا» روایت دیدنی و مستند از جنایت های داعش



جنایت تکفیری ها و در راس آنها گروه داعش آنچنان گسترده و عجیب است که تاکنون چند کارگردان مستقل به تولید اثر سینمایی در خصوص آن پرداخته اند بمانند که در این باره دهها و بلکه صدها محصول مستند هم ارائه شده است.

«سیل آسا» یا نام عربی آن «الجارف» به کارگردانی بلال خریس از کشور لبنان یکی از این آثار سینمایی است.

خریس در خصوص علت تولید این فیلم می گوید: به عنوان زائر برای یک سفر زیارتی به عراق مشرف شدم و از آن جا به منطقه «بیبجی» که تازه از دست تکفیری ها آزاد شده بود، رفتم. آن منطقه نزدیک جبهه های درگیری بود و ظرفیت مناسبی برای فیلمسازی داشت.

وی می افزاید: وقتی روایت هایی از منطقه را شنیدم داستان مقاومت و داستان اتحاد شیعه و سنی نظر من را به خودش جلب کرد. جزئیات کامل این داستان ها را جمع آوری کردم تصمیم به ساخت این اثر سینمایی گرفتم و این پروژه را به پایان رساندم.

سیل آسا یک اثر کاملا واقعی است که بر اساس واقعیت در یک منطقه حقیقی فیلمبرداری شده است و حتی عوامل آن در حین فیلمبرداری در معرض خطر اصابت موشک و گلوله قرار گرفته اند و امکان تصویربرداری چندباره هر صحنه خیلی دشوار بوده است.

ماجرای فیلم داستان زندگی یک خانواده مسیحی است که داعش مادر این خانواده که پزشک است را به شهادت می رساند و به فرزند کوچک خانواده نیز بمب وصل می کند و...

مازن محمد مصطفی و خانم عواطف السلیمان دو بازیگر اصلی سیل آسا هستند که هر دو هم عراقی می باشند.